

به نام خداوند بخشنده مهربان عوامل قرب الهی از منظر نهج البلاغه

زهرا صدیقی¹

چکیده

انسان‌ها همیشه در جست‌وجوی تلاش هستند تا به معارف بلند و برخوردار از نعمت‌های بی‌نظیر خداوند متعال بهره‌مند شوند. در مناجات با خدای خویش، در پی وصول به قرب الهی هستند. از این رو، به خدای متعال و اهل بیت (ع) توسل می‌جویند. مؤمنانی که به مراتب عالی معرفت خدا دست یافته‌اند، قرب خدا را مطلوب ذاتی خویش می‌دانند. این مقصد از طریق سیر اختیار و از شیوه‌ها و راه‌های ممکن خاصی امکان حصول دارد. شیوه‌های ذوقی و سلیقه‌ای راه به جایی نمی‌برد. از آموزه‌های دینی به دست می‌آید که انسان‌ها با سعی و تلاش مضاعف می‌توانند مسیر قرب و کمال را طی نمایند و به فلاح و رستگاری نایل آیند. و هدف از این نوشته این است که راه‌های رسیدن به قرب الهی با توجه به کتب و منابع معتبر اسلامی برای مردم به خوبی تبیین شود تا مردم به ویژه جوانان در راه رسیدن به خداوند دچار اشتباه نشوند در این مقاله با موضوع عوامل قرب الهی از منظر نهج‌البلاغه پرداخته و به راه‌های تقرب به خدا از دیدگاه ائمه و قرآن کریم اشاره شده است.

کلید واژه : تقرب، خدا، معرفت.

1. طلبه سطح 2، مدرسه بی بی حکیمه (س)، شهرستان گچساران.

مقدمه

هدف و مقصد نهایی انسان، قرب و وصول الی الله است. انسان برای رسیدن به آن مقصد، راهی طولانی و پرفراز و نشیب در پیش دارد. چنان که امام علی (ع) با آن همه شب زنده داری، مناجات‌ها، عبادت‌های طاقت فرسا، با آهی جانکاه می‌فرمود: «آه از کمی توشه درازی راه و دوری سفر و سختی منزل.»¹ واژه قرب در آیات و روایات اهل بیت (ع) به فراوانی یاد شده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آیات زیادی از قرآن به قُرب، تَقَرُّب و مقام مَقَرَّبان اختصاص دارد. فلسفه و غایت همه عبادت‌ها، رسیدن به قرب الهی است. قرب به معنای ارتباط وجودی با معبود و متخلّق شدن به اسماء و صفات حق تعالی است که در واقع همان هدف خلقت انسان خوانده شده است. وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ¹. در پژوهش حاضر سعی شده ماهیت، عوامل قرب الهی از منظر نهج‌البلاغه بررسی شود و راه قرب برای بندگان خدا شناسانده شود. ائمه خود مصداق حقیقی قرآن ناطق و واسطه تقرب بندگان به پروردگار هستند.

در مورد آثار ظلم در زندگی فردی و اجتماعی با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب منابع و کتبی که در این باره انجام شده باشد وجود ندارد. ولی به صورت پراکنده مسأله آثار ظلم در زندگی فردی و اجتماعی و بیانیه گام دوم مطالبی به رشته تحریر در آمده است و از جمله آن‌ها عبارت است از: کتاب اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم). نویسنده: مهدی علیزاده. 1389. این کتاب در مورد

ظلم صرفاً آیات و روایات مرتبط با ظلم را آورده و به پیامدهای آن اشاره ای نداشته است

پیشینه تا ریخی

1. دشتی، نهج‌البلاغه، ح 77.

1. سوره مبارکه ذاریات، آیه 56.

در مورد قرب الهی از منظر نهج البلاغه منابع معتبری که در این زمینه به صورت کامل انجام شده باشد وجود ندارد. هر چه هست به صورت پراکنده در مورد قرب الهی، قرب الهی در نهج البلاغه است، و از جمله آن‌ها عبارت است از:

کتاب قرب الهی در کلام امام سجاد(ع). نویسنده: اعظم نصرافهانی. 1398. این کتاب مسیر قرب الهی را به انسان نشان می‌دهد، امام سجاد (ع) در این کتاب رضایت خداوند را بیان می‌کند. مقاله قرب الهی. پژوهشگر: سمیه وحیدیان صادق. 1387. در این بعد از کلیات به تقرب در آموزه‌های قرآنی و روایات و قرب در کلام بزرگان پرداخته است.

کتاب تقرب به خداوند در اسلام و مسیحیت. نویسنده: اسماعیل علیخانی. 1388. این کتاب در مورد تقرب به خداوند و انجام اعمال برای رسیدن به این هدف بحث می‌کند. با توجه به این که برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش اثر خاص و مستقلى یافت نشد، منبعی که بتواند به صورت جزئی‌تر به عوامل قرب الهی از منظر نهج البلاغه بپردازد، نوشته و پاسخی به فرضیه اصلی مقاله باشد. بنابراین لازم است این مقاله به خوبی تبیین گردد.

مفهوم شناسی

تقرب

تقرب در لغت به معنای، نزدیک شدن، خویشاوند شدن. نزد کسی شأن و مرتبه داشتن.¹ در فرهنگ اسلامی تقرب به معنای طلب نزدیک شدن به خداوند با انجام دادن اعمال و تکالیفی است

1. معین، فرهنگ لغت معین، ص 253.

که خدا بر عهده بندگان قرار داده است.^۱ تقرب به خداوند را تقرب معنوی دانسته‌اند که با دوری از رذائل اخلاقی، عدم تکبر و انانیت، تسلیم در برابر خداوند و عبودیت حاصل می‌شود.^۲

در اصطلاح، تقرب به خداوند همان خشنودی خداوند از بنده در اثر عبادت، اطاعت، سلوک و اخلاص بنده می‌باشد.^۳

معرفت

شناختگی و شناسایی.^۴ شناسایی. شناخت. آشنائی.^۵ در اصطلاح، معرفت به معنای دانستن و دانش و آگاهی داشتن است.

راه های تقرب به خدا

1. معرفت و خودشناسی

یکی از مهم‌ترین پیش نیازهای قرب الهی، شناخت خود است؛ برای همین علمای اخلاق تاکید بر خودشناسی دارند به این مضمون که انسان با خودشناسی به اسرار خلقت آگاه شده و سرمایه‌های وجودی خود را شکوفا سازد. خداوند درباره اهمیت و ضرورت خودشناسی می‌فرماید: «...عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ؛ به خویشتن بپردازید، کسی که گمراه شد، به شما زیان نمی‌زند، اگر هدایت یافتید.»^۶ امام علی (ع) می‌فرماید: معرفه النفس انفع المعارف؛ خودشناسی سودمندترین دانش هاست.^۷ خودشناسی یعنی

1. ابن منظور، لسان العرب، ذیل واژه قرب؛ ص 326. و راغب اصفهانی، مفردات، ذیل واژه قرب، ص 207.

2. مصطفوی، التحقيق، ذیل واژه قرب،

3. مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۹ش، ج ۳، ص ۲۹۱.

4. نفیسی، ناظم الاطباء، ص 53.

5. دهخدا، فرهنگ لغت، ج 4، ص 534.

6. مائده، 105.

7. آمدی، غررالحکم، ج 1، ص 839.

انسان بداند خلیفه خدا و امانت دار او می‌باشد؛ معنای این سخن آن است که انسان به خود دروغ نگوید بر عیوب خویش پرده نیفکند؛ بلکه به نقد خویشتن پردازد؛ از این رو وقتی نفس سرکش، مطیع باید و نباید شرع گردد؛ به سوی قرب الهی پیش می‌رود اخلاق و کرداری که مخالف دستور الهی باشد، انسان را از مسیر تکامل و تقرب به خدا منحرف و دور می‌گرداند؛ یکی دیگر از اثرات گناه، دوری از بندگی و سیاهی دل است چون زمینه‌چیرگی شیطان را بر انسان فراهم می‌آورد و ایمان را از بین می‌برد. امیرالمؤمنین(ع) در خطبه نورانی نهج‌البلاغه درباره برخی از راه‌های تقرب به پروردگار می‌فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ وَ بِرَسُولِهِ»¹ بهترین وسیله‌ای که انسان‌ها می‌توانند با آن به خدای سبحان نزدیک شوند، ایمان به خدا و پیامبر(ص) و جهاد در راه خداست. سپس در ادامه می‌فرماید: «وَ كَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةُ»² و یکتا دانستن خدا، بر اساس فطرت انسانی است».

تأکید بر تعقل برای پیدا کردن راه در قرآن و روایات، برای دریافت راه صحیح، به بهره‌گیری از عقل تأکید فراوانی شده است. قرآن کریم از زبان اهل دوزخ می‌گوید: «لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ»³ اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم».

2. انجام واجبات

1. نهج‌البلاغه، خطبه 110.

2. همان، 163.

3. سوره مبارکه ملک، آیه 10.

در این آیه از مؤمنان خواسته شد تا برای رسیدن به رستگاری و فلاح سه کار را انجام دهد:

1- تقوای الهی را پیشه خود سازد.

2- برای تقرّب به خدا وسیله‌ای انتخاب کند.

3- در راه خدا جهاد و تلاش کند.

یعنی در مرحله اول باید وقایه و سپری داشته باشد که نگذارد نافرمانی خدا به او برسد، گویا گناه تیری است که از سوی شیطان متوجه انسان می‌شود و آدمی با سپر تقوا مانع از اصابت آن تیر به خود می‌شود. زیرا شیطان در کمین است و به تعبیر قرآن (آنه یراکم هو و قبيله من حیث لاترونهم)^۱ او و همراهان او شما را می‌بینند از آن جهت که شما نمی‌بینید، او می‌بیند و ما او را نمی‌بینیم، باید سپر لازم را در دست داشته باشیم تا از خطر او در امان باشیم.

حدیث قدسی آمده است که: «وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: لَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ مُخْلِصًا لِي حَتَّى أُحِبَّهُ فَإِذَا أَحَبَبُّهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا إِنْ سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ وَ إِنْ اسْتَعَاذَنِي أَعِذْتُهُ؛ وَ حَضَرَتْ رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَمُودَهُ

که، خدای تعالی می‌فرماید: همیشه بنده من بوسیله نمازهای نافله به من نزدیک می‌شود در صورتی که کاملاً به من اخلاص دارد تا این که او را دوست دارم پس هر گاه او را دوست داشتم آنچه را که من می‌بینم و می‌شنوم او هم می‌بیند و می‌شنود او به منزله قدرت من است اگر از من چیزی بخواهد به او می‌دهم و اگر پناه به من آورد پناهش می‌دهم.»^۲

1. سوره مبارکه اعراف، آیه 27.

2. دیلمی، إرشاد القلوب، ج ۱ ص ۲۲۲

نتیجه گیری

آنچه از مباحث مطرح شده به دست می‌آید این است که مؤمنان با توجه به هدف آفرینش خود که همانا تقرب به خدا و رسیدن به مقام لقاء الهی است باید بدانند رسیدن به این مقام به تدریج

برای انسان حاصل می شود و باید بهترین زاد و توشه که تقوای الهی است فراهم نمایند و همچنین وسایل کافی و لازم را شناخته و در اختیار گیرند، در این رابطه از راهنمایی های پیشوایان تقوا بهره مند شده و از آنها در راه رسیدن به مطلوب استفاده نمایند از ایمان الهی برخوردار شده و اعمال صالح و شایسته انجام دهند. از آموزه های قرآن برای کسب شرافت و رسیدن به نجات استفاده کنند و در نهایت با توسل به ائمه معصومین و اولیاء الهی در مقام عمل از آنها تأسی نموده و محبت آنها را در خود تقویت نمایند. بنابراین رسیدن به قرب الهی به منظره خوشبختی و نیکبختی است. برای این که انسان بتواند رشد کند و به کمال برسد خداوند راه رسیدن به آن را هم در اختیار او قرار داده است. در واقع رشد عملی برای تمام انسان ها وجود دارد، این الگوی رشد یافته در در آخرین درجه انسانیت همان پیامبران الهی و اهل بیت (ع) می باشند که به عنوان الگوهایی برای طی این مسیر به انسان معرفی شده اند، تا انسان با آزادی و اختیار خود و با پای عشق و محبت این مسیر را تا رسیدن به لقاءالله بپیماید.

منابع و مآخذ

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

1. ابن بابویه ابی جعفر، من لا یحضره الفقیه ، تهران: نشر صدوق، چ2، 1377ه.ش.

2. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، 1429 ه.ق.
3. احمدابن حنبل، فضائل امام علی (ع)، نشر دارالتفسیر، 1413 ق.
4. امین عاملی، سیدمحسن، اعیان الشیعه، تهران: دایره المعارف، چ 1، 1367 ه.ش.
5. انصاری، خواجه عبدالله، کشف الاسرار، نشر امیرکبیر، 1371، چ 5، ج 2.
6. بروجردی، سید حسین، جامع الاحادیث الشیعه، نشرالمهر، 1380 ش.
7. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، سازمان انتشارات جاویدان، 1324.
8. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، چ 12، 1377 ه.ش.
9. جوادی آملی، عبدالله، رازهای نماز، قم: نشر نسراء، چ 16، 1389 ه.ش.
10. دشتی، محمد، نهج البلاغه، قم: مشهور، 1379 ه.ش.
11. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت فارسی، ج 4، تهران: دانشگاه تهران، 1377 ه.ش.
12. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، قم: آل علی (ع)، 1395 ه.ش.
13. راغب اصفهانی، محمد، الفردات فی القرآن، تهران: آرایه، 1387 ه.ش.
14. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین، نشرنی، چ 1، تهران، 1366.
15. کرمی، علی، تربیت اجتماعی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، 1394 ه.ش.
16. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دارالکتب الاسلامیه، 1407 ق، ج 8.
17. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1367 ه.ش.
18. مصطفوی، حسن، التحقیق، تهران: وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1426 ه.ق.
19. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، 1389 ه.ش.

20. معین، محمد، فرهنگ لغت فارسی، تهران: انتشارات زرین، چ 3، 1386 ه.ش

21. المنذری، زکی الدین عبدالعظیم، الترغیب و الرغیب، 1389 ه.ش.

22. نفیسی، علی اکبر، ناظم الاطباء، تهران: انتشارات خیام، 1343 ه.ش.